

## نظری مختصر در مورد اولین نشست مشترک احزاب،

### سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست

به نقل از: مبارزه طبقاتی شماره 8

بهروز نصری، 10 ژوئیه 2012

اولین نشست مشترک احزاب، سازمانها ... که اطلاعیه پایانی آنرا در زیر مشاهده میکنید، اولین تجربه در تلاش برای همکاری بین نیروهای چپ و کمونیست ایرانی نیست. تاکنون تلاشهای دیگری هم در سالیان گذشته برای شکل دادن به قطب سوم و متحد کردن طیف چپ شکل گرفته بودند که بعد از مدتی فعالیت به کار خود خاتمه دادند.

ولی این اولین نشست مشترک اینبار و با توجه با تجارب گذشته محتاطانه تر گام برداشته و در اولین نگاه، دو نکته جلب توجه میکند: اول طیف متنوع شرکت کنندگان و دوم اینکه حاصل اولین نشست فعلا هیچ پلاتفرم مشترکی نبوده است.

این مقاله کوتاه در نظر دارد با آرزوی موفقیت کردن برای این اولین نشست مشترک احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست، با دید انتقادی به مسئله این نوع اتحادها بپردازد.

انقلاب امر توده های کارگر و زحمتکش است. وقتی توده های کارگر در مقیاس میلیونی بدلیل سیاسی و اقتصادی زیادی از جمله بیکاری و گرانی و در یک کلام غیر قابل تحمل کردن شرایط زندگی و کار در جامعه، خواستار عوض کردن یا سرنگونی رژیم باشند، و برای این امر پیگیر متحقق شدن این خواست سیاسی بزرگ باشند و مثل نمونه مصر تا سقوط دیکتاتور میدان آزادی را تخلیه نکنند، وقوع انقلاب به یکی از احتمالات ممکن جامعه تبدیل میشود. نیرومندی جنبش اجتماعی علیه وضع موجود و رژیم حاکم میتواند در صف نیروهای سرکوبگر شکاف ایجاد نماید و توان سرکوب نیروهای مسلح را تضعیف نماید و ... انقلاب علیه وضع موجود به یکی آکتول های روز جامعه تبدیل میشود.

فعالیت حزب کمونیست اساسا در این زمینه معنا و مفهوم اصلی پیدا میکند: آگاهگری و دخالت در امر سازماندهی. فعالیت کمونیستی در این عصر اساسا دنبال گرفتن سوالات و معضلات مقابل طبقه کارگر در رابطه با تحقق امر انقلاب است: انقلاب سوسیالیستی بعنوان یک انقلاب اجتماعی.

با این مقدمه کوتاه، سوال اینست که رابطه حزب کمونیست و سایر احزاب سیاسی با جنبش توده ای و جنبش کارگری در شرایط کنونی در چه وضعیتی است؟

سه دهه حاکمیت جنایتکارانه جمهوری اسلامی و سرکوب وحشیانه احزاب سیاسی و هر صدای اعتراضی در ایران و ... در رابطه ی بین حزب کمونیست و احزاب سیاسی با توده ها و جنبشهای اعتراضی و بویژه جنبش کارگری اشکالات جدی بوجود آورده است. به این معنی که حزب کمونیست و احزاب سیاسی را از بستر اصلی فعالیتشان محروم ساخت. در تحلیل اشکالات رابطه بین فعالیت کمونیستی در بستر اصلی فعالیتی اش، جمهوری اسلامی و سرکوبگری و جنایتکاری و خفقان در صدر عوامل این اشکالات قرار میگیرد. به همان اندازه که حاکمیت جنایتکارانه جمهوری اسلامی ادامه یافت، احزاب سیاسی از بطن مبارزه طبقاتی بی اختیار دور شدند. در همان حال که شرایط زیست و کار کارگران روز به روز غیر قابل تحمل تر گردیده، پراکندگی و عدم سازمانیابی سراسری طبقه کارگر را هم اگر به فلاکت اقتصادی و اجتماعی کارگران اضافه کنیم، شرایط را بیشتر غیر قابل تصور مینماید.

به همان اندازه حاکمیت و سرکوبگری جمهوری اسلامی ادامه یافت، فقر و فلاکتهای توده های کارگر بیشتر شد و در همان حال هم احزاب سیاسی جدا شده از بستر اصلی فعالیتی، موفق به ایفای نقشی که می بایست میداشتند، نشدند.

اگر اکثرا متفق القولند که طبقه کارگر ایران در وضعیت پراکنده بسر میبرد و کارگران ایران به تشکل سراسری خویش نیاز دارند، تا در مقابل دولت و کارفرمایان قدرتمندانه برای حصول خواستها و مطالباتشان وارد کارزار شوند، ما بغیر از کلی گویی های رایج اندر فواید تشکل، شاهد ستراتژی و عمل مشخصی در پاسخ به این نیاز از سوی جنبش کمونیستی ایران نبوده ایم.

این وضعیت حتی موجب تغییراتی در نگرش طیفی از احزاب بودجود آورده، به این شکل این وضعیت موجبات بی افقی و تیره و تار شدن امر انقلاب را فراهم کرده و از لحاظ تئوریک به قدرت گیری حزب فرموله شده است. نظرات احزاب کمونیست

کارگری نمونه ای از این نوع است که مستقیماً و سرراست به این اعتقاد رسیده اند که حزب قدرت سیاسی را کسب کند و حزب انقلاب میکند. حزب ما هم که بدرستی برای حکومت شورایی توده ها و کارگران مبارزه میکند، موفق نشده از کلی گویی های رایج فراتر رفته و به موانع و مشکلات سر راه مبارزه طبقه کارگر و بی تشکیلی بپردازد و راه حل عملی خود برای فائق آمدن بر این مشکلات را ارائه دهد.

گره اصلی همین جاست. حزب کمونیست موفق نشده در شرایط خفقان و سرکوبگری جمهوری اسلامی نقش خود در مبارزه طبقاتی ایران و در جهت فائق آمدن بر موانع و مشکلات سر راه اتحاد سراسری کارگران و سازمانیابی آنان در تشکل سراسری خود، ایفاء کند.

نشست مشترک احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست قرار است در اوضاع امروز ایران و با وضعی که کارگران از لحاظ کار و زیست در آن قرار دارند کمک کننده گسترش آلترناتیو سوسیالیستی در ایران (بدیل سازی سوسیالیستی) باشند.

نشست مشترک احزاب... در اولین اطلاعیه هدف نشست را «سراغازی برای یک تلاش مشترک... برای نهادینه کردن همکاری ها و تبادل نظر»، همچنین «نشست تاکید کرد که در فضای ملتهب سیاسی ایران و جهان برای ایجاد یک بدیل انقلابی و کارگری و سوسیالیستی تلاش می کند. هدف نشست و تبادل نظرها، در مسیر یک آلترناتیو سوسیالیستی در ایران در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی و تهدیدات امپریالیستی و راه حل های رفرمیستی و ارتجاعی آن است».

در این رابطه نکات زیر حائز اهمیت اند:

اول: نشریه مبارزه طبقاتی برای نشست مشترک و اهداف مندرج در اولین اطلاعیه آن آرزوی موفقیت میکند و درست به دلیل افق مبارزاتی مشترک، و برای موفقیت آتی، لازم و ضروریست تا به این حرکت از همین ابتداء با دید و نگرش انتقادی نگرست و احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست را در مقابل سوالهای پایه ای قرار داد....

سوالات:

- رفقای احزاب و نهادهای چپ و کمونیست فکر میکنند که مهمترین مانع پیشاوری کارگران ایران برای تامین اتحاد و سازمانیابی سراسری چیست؟

- چگونه کارگران میتوانند در شرایط اختناق یک تشکل سراسری بعنوان یک چتر عمومی برای همه کارگران و در برگیرنده تشکلهای مختلف انواع اصناف باشد، را تشکیل دهند؟

...

پیشنهادات:

- اگر رفقا میخواهند همکاریهای بین احزاب چپ و کمونیست نهادینه شود و این امر به خلق فضای رادیکال و انقلابی در جامعه کمک کند، اکیدا پیشنهاد میشود که رفقا از مفاد مندرج در اولین اطلاعیه نشست مشترک فراتر نرفته و در ادامه چنین نشستهایی، پلاتفرم مشترک تدوین نشود. تدوین پلاتفرمهای که حاوی لیستهای طویل از خواستها و مناسبات باشد، در رابطه بین احزاب سیاسی، به دلایل مختلف، به شکست کشیده میشود و رفقا برای اجتناب از شکست آتی هیچ پلاتفرمی (بین احزاب و نهادها) تهیه نکنند.

- کما اینکه در اولین نشست بر «نهادینه کردن همکاریها و تبادل نظرها»، «در مسیر یک آلترناتیو سوسیالیستی در ایران و در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی و تهدیدات امپریالیستی و راه حل های رفرمیستی و ارتجاعی»، به اندازه کافی گویا بوده و حق و مطلب را بیان میکند. بگذار چنین مقولات و مفاهیمی که بیان کننده عمل های مشخصی در پراتیک هستند، در همین سطح کلی باقی بمانند. چرا بایستی به همین سطح کلی اکتفا کرد؟ به دلیل اینکه احزاب چپ و کمونیست عموماً عادت دارند با هم فکراً مناسبات داشته باشند. چنین فرمول بندیهای عامی که در اولین اطلاعیه نشست مشترک آمده است، کمک میکند تا از چهارچوب کلیشه ای و تنگ فراتر رفته و راه را برای قبول "تنوع و سوسیالیسم بر اساس تفاوتها" باز کند...

- مواضع مشترک بین احزاب بهتر و مناسب تر است تا موردی و بر پایه ی اعتراض مشخص قرار گیرد، زیرا از سویی میتواند نتیجه بخش تر باشد، و از سوی دیگر میتواند منعکس کننده جو غالب در طیف نیروهای چپ و کمونیست باشد. مثلاً اطلاعیه مشترک در محکوم کردن دستگیری 60 نفر از فعالین کمیته هماهنگی در کرج یا دفاع از شهروندان افغانی-ایرانی و

محکوم کردن جمهوری اسلامی و سیاستهای نژاد پرستانه. بی نهایت مهم است تا بتوان فضای غالب در چپ ایران بود. هر حزب و سازمان و نهادی میتواند بر سر درکش از سوسیالیسم و مبارزه طبقاتی و... پلمیکهای مفصلی داشته باشند. مهم این است که مخالفین سیاسی بتوانند با هم راه بروند و در مواردی که لازم باشد هم جهت ظاهر شوند. تا فرمول بندیها کلی تر باشد شانس موفقیت آمیز بودنش هم میتواند بیشتر باشد

- احزاب و نهادهای چپ و کمونیست بطور روتین به کار و فعالیت حزبی و سازمانی خود مشغولند. کار حزبی و فعالیت در نشست احزاب جایگزین یکدیگر نیستند و هرکدام جایگاه خاص خود را دارد .

« احزاب و سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست» میتوانند نامی کوتاه که از قابلیت اجتماعی شدن برخوردار باشد برای خود انتخاب کنند.

جدل اصلی همان تقابل کار و سرمایه در محیط زیست و کار کارگران در ایران است. آیا نشستهای مشترک بین احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست میتواند در مبارزه طبقاتی، تقویت کننده مبارزه طبقه کارگر علیه کارفرمان و دولت سرمایه داران باشد؟ همکاری احزاب و ... چپ و کمونیست تا چه اندازه موفق خواهند شد در ایران سوسیالیسم را به آلترتیوی اجتماعی تبدیل کند و ... . چنین سوالاتی تا آن حد پایه ای هستند که ارزیابی از چنین همکاریهای بطور عینی ممکن میسازد .

**کارگران ایران متحد شوید !**

**زنده باد سوسیالیسم در ایران !**